



تشدید شکاف در اتحادیه اروپا
به واسطه تحریم‌ها علیه روسیه

قربانی اصلی مناقشه اوکراین کیست؟

اروپایی‌ها از قربانیان اصلی تهاجم مسکو، در خارج از مرزهای اوکراین هستند. کشورهایی که لبه تیز تحریم‌هایشان بیش از روسیه خودشان را هدف قرار داده است، طوری که به تازگی شاهد اولین نشانه‌های بروز شکاف در اتحادیه اروپا بر اثر این خودتحریمی‌ها بودیم. از نخستین نشانه‌های اثبات این ادعا، اظهارات اخیر نخست‌وزیر مجارستان است که با اعتراف به شکست سیاست تحریم‌ها علیه روسیه تأکید کرد: اروپا باید به فکر راهبردی تازه باشد.

به‌رغم دعوت نماینده آیت‌الله سیستانی به وحدت، تجمع صدی‌ها نشست پارلمان را لغو کرد

گره‌های تازه در کلاف سردرگم انتخاب نخست وزیر عراق

هنوز ساعاتی از تأکید نماینده آیت‌الله سیستانی، مرجعیت عالی شیعیان عراق بر لزوم وحدت و دوری از تفرقه و درگیری نگذشته بود که هزاران معترض با عبور از موانع سیمانی اطراف منطقه سبز بغداد، به میدان التخریر و ساختمان پارلمان یورش برده و با ایجاد تجمعات گسترده، سبب تعویق جلسه پارلمان برای تعیین نخست‌وزیر و رئیس جمهوری این کشور و در نتیجه آن کشدار شدن بحران سیاسی بغداد شدند.



مداخله نظامی آمریکا در شرق آسیا
چه پیام‌هایی به دنبال خواهد داشت؟

بازی با دُم چین!

صفحه ۶ را بخوانید

چرا ائتلاف سازی منطقه ای رویکردی مهم در سیاست خارجی دولت سیزدهم است؟

انبساط ژئوپلیتیک؛ افزایش قدرت ملی

همت‌الله شمولی
عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی

نظریه‌های روابط بین‌الملل علت اصلی ایجاد اتحاد و ائتلاف بین دولت‌ها را مبارزه با تهدید مشترک خارجی می‌دانند. استفان والت یکی از نظریه‌پردازان اصلی نظریه ائتلاف و اتحاد، معتقد است دولت‌ها به دو دلیل با یکدیگر متحد می‌شوند: نخست، برای ایجاد تعادل قدرت به منظور رفع یک تهدید در محیط امنیتی؛ دوم، برای رفع یک تهدید عمده خارجی. او این تهدیدات خارجی را وابسته به چهار متغیر می‌داند: (۱) نزدیکی جغرافیایی، (۲) توزیع امکانات، (۳) توانایی تهاجمی و (۴) درک نیت تجاوز، البته هر تهدیدی منجر به اتحاد در عرصه بین‌المللی نخواهد شد، بلکه تهدیداتی که منافع دولت‌ها را به طور جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند در شکل‌گیری اتحاد مؤثر است. با مطالعه استراتژی‌های سیاست خارجه دولت جو بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌توان دریافت که ایالات متحده بر دو استراتژی «ژئوپلیتیک‌زدایی» و «مشروعیت‌زدایی» از حاکمیت ایران تأکید دارد. با گذشت نزدیک به یک سال از روی کار آمدن دولت سیزدهم، به نظر می‌رسد که سیاست خارجه دولت در راستای مقابله با تهدیدات آمریکا بر دو راهکار کلی متمرکز بوده است: نخست روی آوردن به ائتلاف‌سازی در خارج و دیگری مدارا و مدیریت در داخل. در این یادداشت این دو راهکار و ضرورت‌های آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

■ ائتلاف‌سازی؛ ضرورتی ژئوپلیتیک

از دید رویکرد واقع‌گرایانه، بهترین راهکار برای برون رفت از تهدیدات ژئوپلیتیک زدایی روی آوردن به استراتژی اتحاد و ائتلاف و قرار گرفتن از انزوای ژئوپلیتیک است. در این دیدگاه، هدف اصلی افزایش حضور ایران در مسائل سیاسی امنیتی در منطقه به نوعی گسترده‌تر کردن حلقه‌های امنیتی ایران، اتصال امنیت ایران به امنیت منطقه، افزایش قدرت چانه‌زنی و در نهایت، رفع تهدیدهای امنیتی در محیط فوری امنیتی ایران خواهد بود. طی سال‌های گذشته، چالش اصلی به درجه حضور در منطقه و چگونگی برقراری تعادل در بهره‌گیری از عناصر ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در جهت‌گیری سیاست خارجی

مربوط بوده که خود به کاهش یا افزایش درجه تهدید خارجی بستگی داشته است. با افزایش تهدید خارجی (حضور مستقیم آمریکا در منطقه) بهره‌گیری از عنصر ایدئولوژیک و رویکرد امنیتی با حضور بیشتر در منطقه افزایش یافته است. بنابراین در حوزه سیاست خارجی، منطقی است که راهبرد سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس و آسیای میانه و قفقاز باشد. علت آن اهمیت بی‌بدیل این حوزه و علقه‌های ژئوپلیتیکی ایران در این منطقه، بخصوص تلاقی و مجاورت جغرافیایی با آن است. ایجاد هر بحرانی در این حوزه و فضای سیاسی حاکم بر آن، امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور را متأثر خواهد کرد. با توجه به شرایط این حوزه‌ها و مقابله با بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک هم‌چنین غلبه بر انسداد ژئوپلیتیکی که در راستای تأثیرگذاری ایران در این زیرسیستم و بقیه زیرسیستم‌های خاورمیانه به وجود آمده است، جمهوری اسلامی ایران برای گسترده بازوهای ژئوپلیتیکی خود در خاورمیانه باید به دنبال متحدی تاکتیکی در زیرسیستم دیگری از منطقه خاورمیانه باشد.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران پس از اشغال عراق از یک سو به دلایل ایدئولوژیک در تقابل با آمریکا است و از سوی دیگر، به دلایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، حضور فعال در منطقه دارد. از این جهت ایران در چهارچوب سیاست تعاملی ضد نظام سلطه، اقدام به ائتلاف سازی منطقه‌ای نموده است. ماهیت منحصر به فرد نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی و وزن ژئوپلیتیکی و گفتمان پویای سیاسی ایدئولوژیک آن به گونه‌ای است که می‌تواند در اندازه‌های قدرتی منطقه‌ای و محوری برای تشکیل کنفدراسیونی منطقه‌ای ظاهر شود و ایفای نقش کند؛ اما حضور گسترده قدرت‌های بین‌المللی و تصادم منافع آنها در عصری نظامی نوین جهانی، با حضور ایران چالش‌هایی برای آنچه ایران شایسته آن است، ایجاد کرده است.

■ حفظ انسجام داخلی؛ ضرورتی استراتژیک

براساس منطق الزامات و ضرورت‌های جغرافیایی، برای اکثر کشورها، اولین ضرورت جغرافیایی حفظ انسجام داخلی است. برای ایران، حفاظت مرزهای امن و سپس، امن کردن کشور به لحاظ داخلی دارای اهمیت



ژئوپلیتیک‌زدایی به نظر می‌رسد سیاست‌های آمریکا کشورهای منطقه را هدف قرار داده است و پیشگیری از همسویی و همراهی این کشورها ضریب قدرت ملی ایران را بسیار افزایش خواهد داد. بدون تردید حفظ منافع ملی و امنیتی ما در منطقه و در جهان، در فراتاریخی و فرانسلی نخبگان فکری و ابزاری (نخبگان قدرت و ثروت کشور) برای دفع این خطر است.

در حالی که آمریکا دنبال ژئوپلیتیک‌زدایی از ایران است، تهران با اتخاذ رویکردی درست، توجه خود را بر ائتلاف‌سازی و اتحاد متمرکز نموده است. وزن و نقش دستگاه سیاست خارجی در این خصوص بسیار قابل توجه خواهد بود. دیپلماسی ایران باید به عنوان یک ضربه‌گیر ابزارهای دیپلماسی خود را افزایش دهد. با دیپلماسی انرژی می‌توان ارتباط با همسایگان را تقویت نمود و از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک برای قدرت‌سازی استفاده کرد.

با دیپلماسی رسانه‌ای می‌توان افکار عمومی منطقه و جهان را مدیریت کرد. با دیپلماسی عمومی می‌توان بر نخبگان و گروه‌های تأثیرگذار در داخل اروپا و آمریکا اثر گذاشت و آنان را به عنوان اهرمی برای فشار وارد کردن به رهبران‌شان به خدمت گرفت و در نهایت با دیپلماسی اقتصادی می‌توان اقتصاد ایران را در لایه‌های تو در تو و پیچیده فوق‌الذکر بویژه مشروعیت‌زدایی نیازمند اقتصاد جهانی درگیر ساخت تا حربه تحریم پژوهشی مجزا است اما در بخش اثری اثر شود.

زیرین اجتماع خواهد شد. این مدیریت پیش از بروز بحران‌ها از طریق هدایت افکار عمومی باید انجام شود. نقش رسانه‌های محلی و ملی در این مدیریت افکار باید به خوبی لحاظ شود. انعکاس صحیح پیشرفت‌ها و دستاوردهای نظام در این مناطق و امیدبخشی به جوانان نسبت به آینده و حضور میدانی مدیران در میان مردم می‌تواند ضریب همبستگی اجتماعی در این پهنه‌های جغرافیایی را بیشتر کرده و بر انسجام اجتماعی بیفزاید.

■ نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی سبب شد ایران که یکی از اجزای نظام ژئوپلیتیک جهانی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه بود، به نیرومندترین دشمن ژئوپلیتیکی این کشور تبدیل شود. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تحول ژئوپلیتیکی ایران و نیز مبنای تعاملات و کنش‌های ژئوپلیتیکی ایران با ساختار ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی، اندیشه‌ها و مفاهیم برآمده از انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک ایران وابسته به مبانی انقلاب اسلامی است که موجب انبساط فضای ژئوپلیتیک ایران و متعاقب آن افزایش قدرت ملی کشور شده است؛ بنابراین بخشی از راهبرد مقابله‌ای آمریکا علیه ایران نیز بر خنثی‌سازی این ظرفیت و ژئوپلیتیک‌زدایی از تهران مبتنی شده است. اگرچه سنجش اثربخشی در راهبرد

و غربی مقابله کرده است. این پاسخ از توقیف کشتی‌های متجاوز به حریم آب‌های ایران در خلیج فارس و ورود شروع و تا ورود پهپاد به مناطق شرقی ایران ادامه پیدا می‌کند. در این خصوص توجه به مناطق جنوب غربی بیش از شرقی حائز اهمیت خواهد بود؛ زیرا این مناطق هم آسیب‌پذیرتر است و هم اینکه بیشترین ذخایر نفتی ایران و تأسیسات پتروشیمی را در خود جای داده است و شاه‌رگ حیات اقتصادی ایران محسوب می‌شود. در این رابطه رصد اطلاعاتی و امنیتی گروه‌های خرابکار و ارتباطات برون مرزی آنها و نیز کنترل جریان‌های فکری سیاسی منطقه حائز اهمیت خواهد بود. **مدارا و مدیریت:** بالا بردن ظرفیت‌های مدارا و پرهیز از اقدامات احساسی و عاطفی و هیجانی، بخشی از ضرورت کنترل تهدیدات نرم محسوب می‌شود. طبیعت فضای محیط‌های حاشیه‌ای و مرزی به گونه‌ای است که به خاطر محرومیت‌های اقتصادی ظرفیت تنش و درگیری در آن بالا است. قرار گرفتن شکاف‌های مذهبی در کنار شکاف‌های قومی در بخش‌های ایران نیز می‌تواند میزان حساسیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را بیشتر سازد، لذا نوع برخورد با ناآرامی‌ها در این مناطق پیش از آنکه فیزیکی و مبتنی بر کاربرد زور باشد باید بر استراتژی قانع‌سازی و مدارا و مدیریت شود. پاسخ‌های سریع و خشن تنها منجر به فعال‌سازی انرژی‌های نهفته در لایه‌های

به نظر می‌رسد سیاست‌های آمریکا کشورهای منطقه را هدف قرار داده است و پیشگیری از همسویی و همراهی این کشورها ضریب قدرت ملی ایران را بسیار افزایش خواهد داد. بدون تردید حفظ منافع ملی و امنیتی مادر منطقه و در جهان، در گرو فهم بین‌الذنه‌ای فراتاریخی و فرانسلی نخبگان فکری و ابزاری (نخبگان قدرت و ثروت کشور) برای دفع این خطر است. در حالی که آمریکا دنبال ژئوپلیتیک‌زدایی از ایران است، تهران با اتخاذ رویکردی درست، توجه خود را بر ائتلاف‌سازی و اتحاد متمرکز نموده است

